

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی تاثیر نوآوری و قابلیت یادگیری سازمانی در رابطه بین گرایش به کارآفرینی و عملکرد سازمانی انجام گرفته است. جامعه آماری این تحقیق، مدیران و کارشناسان خبره ۷۵ شرکت صادراتی به تعداد ۳۲۰ نفر در نظر گرفته شد که در استان گیلان فعالیت می‌کردند. برای محاسبه حجم نمونه آماری از فرمول کوکران برای جوامع محدود استفاده شد که در نهایت تعداد ۱۷۵ پاسخ صحیح به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده توسط محقق دریافت گردید. تحقیق حاضر بر اساس هدف از نوع کاربردی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، تحقیقی توصیفی و از نوع همبستگی بوده است. روش گردآوری اطلاعات میدانی، ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، از تحلیل رگرسیون می‌باشد. روایی تحقیق با استفاده از روایی محتوا از طریق استاد راهنما مورد سنجش قرار گرفت. پایایی تحقیق نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ سنجیده و تایید می‌گردد که میزان آلفای بالاتر از ۰/۷ قابل قبول تلقی می‌شود. به منظور تحلیل داده‌های پرسشنامه نیز از روش حداقل مربعات جزئی و نرم افزارهای PLS 3 و SPSS21 استفاده گردید. نتایج فرضیه‌های اصلی تحقیق نشان داد که گرایش کارآفرینی و قابلیت یادگیری تاثیر مثبت و معناداری بر عملکرد صادراتی شرکت‌ها دارند. از همین روی، نقش میانجی‌گری قابلیت یادگیری در رابطه بین گرایش کارآفرینی و عملکرد صادراتی شرکت‌ها نیز مورد تایید قرار گرفت. از طرفی، این نتایج مشخص نمود که نوآوری تاثیر مثبت و معناداری بر عملکرد صادراتی شرکت‌ها دارد. با توجه به این موضوع، می‌توان گفت که نوآوری نقش میانجی‌گری در رابطه بین گرایش کارآفرینی و عملکرد صادراتی شرکت‌ها ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی: گرایش به کارآفرینی، عملکرد سازمانی، نوآوری، قابلیت یادگیری